

تطبیق مؤلفه‌های «حکمرانی خوب» با عناصر «حکمرانی نظام انقلابی»

در «بیانیه گام دوم» امام خامنه‌ای مدظله‌العالی

مهرداد عطائی^۱، مسعود مطلبی^۲، سید مصطفی ابطحی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳

چکیده: اسناد بالادستی در هر کشور به‌طور اساسی در تعیین الگوها و معیارهای حکمرانی تأثیرگذار هستند. در جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی به عنوان نخستین سند بنیادین، اصول و مبانی حکمرانی را پس از انقلاب اسلامی مشخص کرده است. این سند، مبنای قانونی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی را شکل داده و در طول چهاردهه گذشته، به عنوان راهنمای برای سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان در کشور عمل کرده است. در سال ۱۳۹۷، در آستانه ورود به دهه پنجم حیات نظام جمهوری اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای بیانیه‌ای با عنوان «گام دوم انقلاب اسلامی» صادر کردند. این بیانیه به‌عنوان یک سند بالادستی جدید، شامل جنبه‌های متنوعی از سیاست، فرهنگ، علم، اقتصاد و جامعه می‌باشد و به عنوان نقشه راهی آینده جمهوری اسلامی ایران را در «گام دوم» ترسیم می‌نماید. در این راستا، بیانیه مذکور به‌طور خاص بر ضرورت تجدید نظر در رویکرد‌ها و سیاست‌ها تأکید دارد و به دنبال تقویت و بهبود حکمرانی در کشور است. این پژوهش در گام اول بر آن است تا از میان موانع سند گام دوم یک الگوی حکمرانی استخراج کند (متغیر مستقل) و در گام بعدی با بررسی تطبیقی میان سند جهانی «حکمرانی خوب» (متغیر تعدیل‌کننده) و الگوی استخراج شده، میزان تناسب آن دو را با توسعه کشور (متغیر وابسته) بررسی نماید. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به این سوال خواهد بود: آیا می‌توان از محتوای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ به یک الگوی منسجم برای سیاست‌گذاری در کشور رسید؟ برای سیاست‌گذاری عمومی در ایران؛ بین محتوای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و حکمرانی خوب (تعریف جهانی) کدامیک شرایط بهتری را دارد؟ فرضیه نگارندگان براین اساس است: اجرای مؤلفه‌های بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌تواند به بهبود کیفیت حکمرانی و افزایش کارایی سیاست‌گذاری عمومی در ایران منجر شود همچنین تطابق اصول بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با معیارهای جهانی حکمرانی خوب، نشان دهنده قابلیت این بیانیه برای ایجاد یک مدل پایدار و مؤثر در سیاست‌گذاری عمومی است.

واژگان اصلی: حکمرانی خوب، حکمرانی نظام انقلابی، بیانیه گام دوم، توسعه، سیاست‌گذاری.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی (سیاست‌گذاری عمومی)، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Mehrdad.ataee@srbiau.ac.ir

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول. Mmtph2006@yahoo.com

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران. M.abtahi100@gmail.com

مقدمه

کشورها برای دستیابی به مشروعیت در ساختار سیاسی خود به نظام‌های سیاسی قوی و متمرکز نیاز دارند؛ اقتدار این نظام‌ها زمانی محقق می‌شود که رفتار گروه‌های اجتماعی تحت تأثیر قواعد عمومی و نهادهای سازمان‌یافته قرار گیرد. این مسأله تا جایی پیشرفت، که از دهه ۶۰ میلادی رسماً مبحثی به رشته‌های علوم سیاسی و اجتماعی اضافه شد تحت عنوان «حکمرانی خوب» (good governance) و این موضوع، در سه دهه گذشته، توجه پژوهشگران علوم اجتماعی به این موضوع به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

بر اساس تعریف جدید بانک جهانی، حکمرانی مطلوب به معنای پیاده‌سازی سیاست‌های شفاف و قابل پیش‌بینی از سوی دولت است که نشان‌دهنده شفافیت در فعالیت‌های دولتی می‌باشد. این نهاد بین‌المللی در گزارشی به بررسی تأثیرات حاکمیت ضعیف بر کندی رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه پرداخته است. این گزارش که به دغدغه‌های مرتبط با ارتباط میان توسعه، دموکراسی و مسائل اجتماعی مختلف می‌پردازد، مفهوم «حکمرانی مطلوب» را به عنوان یک چارچوب نظری اساسی معرفی می‌کند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که ناتوانی در اجرای مؤثر اصول حکمرانی مطلوب، به عنوان یکی از اصلی‌ترین موانع رشد و توسعه در کشورهای جهان سوم شناخته می‌شود. این یافته‌ها بر اهمیت ایجاد و تقویت نهادهای حکومتی کارآمد و شفاف تأکید دارد که می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی این کشورها کمک کند. محتوای این سند شامل ویژگی‌های زیر است:

۱. شفافیت در بوروکراسی
 ۲. پاسخگویی نهادهای اجرایی نسبت به عملکرد خود
 ۳. مشارکت فعال شهروندان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی
 ۴. برابری همه افراد در برابر قوانین.
- به‌طور کلی، می‌توان گفت که حکمرانی مطلوب به معنای مدیریت مؤثر (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و غیره) منابع یک کشور به منظور تحقق اهداف مشخص است. این

مدیریت شامل راهکارها و نهادهایی است که به افراد و گروه‌های اجتماعی این امکان را می‌دهد تا با توجه به محدودیت‌های موجود، حقوق و منافع قانونی خود را پیگیری کنند. الگوی حکمرانی مطلوب با بازآفرینی نیروهای اجتماعی در یک ساختار شبکه‌ای هماهنگ و منسجم، دولت را با ویژگی‌ها و ماهیت خاص خود در کنار جامعه‌ای با بازیگران متنوع قرار می‌دهد و به این ترتیب بر اولویت نقش دولت یا جامعه در فرآیند توسعه تأکید می‌کند. (صباغ کرمانی؛ باسنا، ۱۳۸۸: ۲)

در چارچوب حکمرانی خوب، دولت تمرکز و نقش حداکثری خود را در عرصه اجتماعی کاهش می‌دهد؛ به این ترتیب، احزاب و گروه‌های مختلف اجتماعی در قالب جامعه مدنی به هدایت توسعه در یک چهارچوب مشخص پرداخته و در تعامل و هماهنگی با یکدیگر، به تحقق اهداف مشترک می‌پردازند. اسناد بالادستی در هر کشوری تعیین کنند سبک و شاخص‌های حکمرانی آن کشور می‌باشد.

در جمهوری اسلامی ایران، «قانون اساسی» به عنوان نخستین سند بنیادی، اصول حکمرانی را پس از انقلاب اسلامی مشخص کرده است.

با گذشت چهارده سال از پیروزی انقلاب، در سال ۱۳۹۷ و در آستانه آغاز دهه پنجم عمر نظام جمهوری اسلامی، مقام معظم رهبری بیانیه‌ای با عنوان «گام دوم انقلاب اسلامی» منتشر کردند. این بیانیه به عنوان یک سند مهم دیگر در نظام جمهوری اسلامی، شامل جنبه‌های متنوع سیاسی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و اجتماعی بوده و افق آینده جمهوری اسلامی ایران را تحت عنوان گام دوم تبیین می‌نماید.

این سند به‌طور خاص به تحلیل دستاوردهای چهار دهه گذشته و شناسایی چالش‌های موجود پرداخته و راهکارهایی برای تحقق اهداف بلندمدت نظام جمهوری اسلامی ارائه می‌دهد. در این راستا، تأکید بر ضرورت تحول در حکمرانی و بهبود فرآیندهای مدیریتی به‌منظور ارتقاء کارآمدی و پاسخگویی نهادهای دولتی و غیردولتی مورد توجه قرار گرفته است.

این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به این سوال خواهد بود:

۱. آیا می‌توان از محتوای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ به یک الگوی منسجم برای سیاستگذاری در کشور رسید؟

۲. برای سیاستگذاری عمومی در ایران؛ بین محتوای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و حکمرانی خوب (تعریف جهانی) کدامیک شرایط بهتری را دارد؟ هدف نگارندگان از ارائه این تحقیق: درک نقاط قوت و ضعف محتوای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و الگوی حکمرانی خوب برای استفاده در امر سیاستگذاری در جامعه ایرانی - اسلامی می‌باشد.

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا و نوع تحقیق بررسی تطبیقی میان متغیرها است؛ فرضیه نگارندگان براین اساس است: اجرای مؤلفه‌های بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌تواند به بهبود کیفیت حکمرانی و افزایش کارایی سیاست‌گذاری عمومی در ایران منجر شود همچنین تطابق اصول بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با معیارهای جهانی حکمرانی خوب، نشان‌دهنده قابلیت این بیانیه برای ایجاد یک مدل پایدار و مؤثر در سیاست‌گذاری عمومی است.

پیشینه تحقیق

نگارندگان، پیش از ورود به پژوهش، به تحلیل و بررسی چند نمونه از مقالات و کتاب‌های موجود و مرتبط با موضوع پرداخته‌اند.

در این راستا، اقبال، حدیث، رجیبی فرجاد، حاجیه (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی حکمرانی خوب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» به تطبیق شاخص‌های کارآیی و اثربخشی در حکمرانی خوب با متن بیانیه گام دوم پرداخته و مؤلفه‌های هر بخش را شناسایی و مدل مفهومی نهایی را طراحی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی حکمرانی مطلوب در مرحله دوم بر اساس مؤلفه‌های مدیریت جهادی، بهره‌برداری از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، نظریه نظام انقلابی، مردم‌سالاری دینی، خودسازی، جامعه‌سازی، ایجاد تمدن نوین اسلامی، تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، تحقق عدالت و مقابله جدی با فساد اقتصادی، کاهش تصدی‌گری دولت، مردمی‌سازی اقتصاد، تقویت تولید، پیوند اخلاق و معنویت، و تأمین ثبات و امنیت استوار است.

همچنین، آذربایجانی، مهدی و دیگران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» به شناسایی مؤلفه‌های اصلی این الگو پرداخته و بیان کرده‌اند که این مؤلفه‌ها شامل «اتکا به خود و استقلال، انتخاب و تربیت مسئولان مبتنی بر ارزش‌ها، بهره‌برداری از کلیه منابع و ظرفیت‌ها، بهره‌گیری از تجارب دیگران، خلاقیت و نوآوری، مشارکت مردم و عقلانیت و منطق» هستند.

مرشدی‌زاد، علی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی» به مفهوم «حکمرانی خوب و ارتباط آن با نظام جمهوری اسلامی پرداخته و بیان کرده است که حکمرانی خوب به دنبال کاهش فساد و آسیب‌های درونی است که معمولاً به تضعیف ساختارهای مدیریتی و سیاسی منجر می‌شود. این ایده با سازوکارهایی چون پاسخگویی، قانون‌محوری، عدالت‌جویی، مشارکت‌جویی و کارایی و اثربخشی به‌عنوان یک نگرش جدید مدیریتی مطرح شده است» و اصول آن با ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی همخوانی دارد.

در حوزه کتاب‌ها، جمشیدی، مهدی (۱۳۹۹) در کتاب «عزم راه: تأملات فرهنگی درباره بیانیه گام دوم انقلاب» به بررسی مضمون‌های فرهنگی بیانیه گام دوم از دیدگاه جوانان نسل سومی پرداخته و در ده فصل به موضوعاتی چون تقدم انقلاب باطنی، تنظیم نظم جدید بر مبنای اسلام، تفسیرهای مختلف از مفهوم انقلاب، جریان‌های فکری و مبانی نظری آن‌ها، اقتصاد محوری و اهمیت پاسداشت ارزش‌های انقلاب پرداخته است.

ذوعلم، علی (۱۴۰۰) در کتاب «گفتارهایی در باب بیانیه گام دوم» به تحلیل مفاهیم کلیدی این بیانیه پرداخته و معتقد است که مفهوم محوری این بیانیه، «انقلاب اسلامی» است که سایر مفاهیم کلیدی حول آن تعریف می‌شوند. تأملات فکری و بررسی عمیق این بیانیه، پیش‌نیاز ضروری برای برقراری ارتباط منطقی با محتوای آن و پذیرش آگاهانه و مؤمنانه در راستای مسیری است که بیانیه ترسیم نموده است.

در نهایت، سازمان عقیدتی سیاسی آجا (۱۳۹۸) کتابی با عنوان «درآمدی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» منتشر کرده که به بررسی و تحلیل دلایل اهمیت و کاربردهای اجرایی این بیانیه به‌عنوان نقشه راه پرداخته است.

نوآوری این مقاله در چند جنبه کلیدی قابل شناسایی است که به طور خاص به نیازهای کنونی نظام جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های حکمرانی در کشور پاسخ می‌دهد:

مقاله به دنبال ارائه یک مدل مفهومی جدید برای حکمرانی خوب بر اساس مؤلفه‌های بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. این مدل به‌طور خاص به تطبیق مؤلفه‌های حکمرانی خوب با اصول نظام انقلابی می‌پردازد و به‌عنوان یک چارچوب جدید برای سیاست‌گذاری عمومی در ایران مطرح می‌شود. این رویکرد می‌تواند به‌عنوان یک نوآوری در ادبیات حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی محسوب شود. این مقاله به تحلیل تطبیقی بین محتوای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و معیارهای جهانی حکمرانی خوب می‌پردازد. این تحلیل می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف هر دو رویکرد کمک کند و نشان دهد که چگونه می‌توان از تجربیات جهانی برای بهبود حکمرانی در ایران بهره برد. نوآوری دیگر این مقاله در تأکید بر اهمیت ارزش‌های بومی و فرهنگی در حکمرانی است. با توجه به اینکه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر مبنای اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی شکل گرفته، این مقاله به بررسی چگونگی انطباق این ارزش‌ها با معیارهای جهانی حکمرانی خوب می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از این ارزش‌ها برای ایجاد یک مدل حکمرانی مؤثر و پایدار استفاده کرد. مقاله به ارائه راهکارهای عملی برای اجرای مؤلفه‌های بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در سیاست‌گذاری عمومی می‌پردازد. این راهکارها می‌توانند به تصمیم‌گیرندگان کمک کنند تا با استفاده از اصول بیانیه، کیفیت حکمرانی را بهبود بخشند و کارایی سیاست‌گذاری عمومی را افزایش دهند. مقاله به بررسی تأثیرات اجتماعی و اقتصادی اجرای مؤلفه‌های بیانیه گام دوم بر کیفیت حکمرانی می‌پردازد. این تحلیل می‌تواند به شناسایی پیامدهای مثبت و منفی این مؤلفه‌ها در زمینه‌های مختلف کمک کند و به تصمیم‌گیرندگان در اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌تر یاری رساند.

در مجموع، نوآوری این مقاله در تلفیق مؤلفه‌های حکمرانی خوب با اصول بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و ارائه یک مدل عملی برای سیاست‌گذاری عمومی در ایران است که می‌تواند به بهبود کیفیت حکمرانی و افزایش کارایی در این حوزه منجر شود.

مولفه‌های «حکمرانی خوب»

برای حکمرانی خوب، تعاریف متنوعی ارائه شده است که هر یک از زوایای خاصی به این مفهوم پرداخته‌اند. با این حال، روح حاکم بر تمامی این تعاریف تفاوت چندانی ندارد و در واقع، هر یک از تعاریف به ابعاد خاصی از حکمرانی خوب توجه کرده و بر اساس آن، مفهوم مذکور را تبیین کرده‌اند. در ادامه، به چند نمونه از این تعاریف اشاره خواهد شد:

- "نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها که جامعه به وسیله آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولت، خصوصی و مدنی مدیریت می‌کند". (قلی پور، ۱۳۸۷: ۴)

- "حکمرانی خوب کوششی است در جهت حاکمیت قانون شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری". (میدری، ۱۳۸۳: ۶)

- "فرایندها و نهادهایی که به واسطه آنها شهروندان و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را استیفا، تعهدات خود را برآورده و تفاوت‌ها را تعدیل می‌کنند". (شریف زاده، ۱۳۸۲: ۴)

- بانک جهانی مفهوم حکمرانی خوب را با توجه به شش ویژگی کلیدی تعریف می‌کند: شفافیت و پاسخگویی، کیفیت قوانین و مقررات، کارآمدی دولت، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و نظارت بر فساد. (دباغ، نفری؛ ۱۳۸۸: ۵)

- در تعریف دیگری "تمرکز اصلی بر شیوه عمل بازیگران رسمی و غیر رسمی است که بر فرایند تصمیم‌گیری و اجرای آن دخالت دارند". (شریف زاده، ۱۳۸۲: ۵)

نظریه حکمرانی خوب به عنوان یک چارچوب علمی و جامع، بر تعامل و هم‌افزایی میان سه بخش کلیدی جامعه تأکید دارد: دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی. این نظریه به اهمیت همکاری و مشارکت این سه عنصر در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها می‌پردازد. در واقع، در حکمرانی خوب، این سه بخش به عنوان اجزای بنیادی

و اساسی در نظر گرفته می‌شوند که نقش مهمی در شکل‌گیری و پیشبرد سیاست‌ها ایفا می‌کنند.

بنابراین، حکمرانی خوب به دنبال ایجاد نوعی تعادل ساختاری میان این بخش‌هاست که منجر به افزایش کارایی و پاسخگویی در نظام‌های حکومتی می‌شود. این رویکرد نه تنها بر تقویت نهادهای دموکراتیک تأکید دارد، بلکه زمینه‌ساز مشارکت فعال و مؤثر تمامی ذینفعان در فرآیند حکمرانی و توسعه پایدار نیز می‌باشد. به این ترتیب، حکمرانی خوب به عنوان یک الگو، به دنبال ایجاد یک محیط اجتماعی و اقتصادی متوازن و پایدار است که در آن تمامی بخش‌ها به طور مؤثر و هماهنگ عمل کنند.

• "حکمرانی خوب در لغت به معنی تنظیم امور اداره و رابطه بین حاکمان و شهروندان می‌باشد. حکمرانی به پاسخگو بودن هم در حوز اجرا و هم در سیاستگذاری اشاره دارد." (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۴۹)

بر این اساس، حکمرانی به عنوان یک تعامل میان سنت، ساختار و فرآیند تعریف می‌شود که به تأثیرگذاری و روابط قدرت در مجموعه‌های اجتماعی و نهادی اشاره دارد. در این چارچوب، مفاهیم کنترل، تنظیم فعالیت‌ها و هدایت به سمت منافع شهروندان، کارکنان و رأی‌دهندگان نهفته است. (Plumptre, ۱۹۹۹, ۳)

در نهایت، به طور کلی می‌توان گفت که ماهیت حکمرانی به ارتباط میان بخش‌های غیرحکومتی و بخش‌های دولتی اشاره دارد. از دیدگاه پژوهشگران مدیریت دولتی و علوم سیاسی، مفهوم حکمرانی فراتر از صرف حکومت است؛ زیرا در مدیریت دولتی، حکومت به طور خاص به نقش مقامات سیاسی در حفظ نظم اجتماعی در یک سرزمین معین و اعمال قدرت اجرایی در چارچوب آن مرتبط می‌شود. همان‌طور که در تعریف حکمرانی مشخص است، سه مفهوم مشروعیت، پاسخگویی و شفافیت در این زمینه مورد توجه قرار گرفته‌اند. (پورعزت، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۹)

همان‌طور که اصطلاحات «دموکراسی» و «توسعه» با رویکردهای سوسیالیستی، لیبرالیستی و فرآیندی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند، اصطلاح «حکمرانی خوب» نیز به عنوان یک مفهوم کلیدی در محافل علمی و میان کشورهای مختلف، بسته به نوع اهداف، تمایلات به نهادهای خاص و شیوه‌های دستیابی به آن، تعاریف و تفسیرهای

متنوعی را به خود اختصاص داده است. در این راستا، ویژگی‌های گوناگونی برای حکمرانی خوب شناسایی شده است که می‌تواند شامل شفافیت، پاسخگویی، مشارکت شهروندان، و عدالت اجتماعی باشد. این تنوع در تعاریف و ویژگی‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی و چند بعدی بودن مفهوم حکمرانی خوب است و ضرورت پژوهش‌های عمیق‌تر در این حوزه را نمایان می‌سازد.

در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، بانک جهانی مفهوم «حکمرانی خوب» را مطرح کرد که بر اهمیت تصمیم‌گیری‌هایی که می‌توانند بر کارایی اقتصادی کشورها تأثیرگذار باشند، تأکید می‌کرد. با گذشت زمان، این مفهوم از جنبه‌های اقتصادی فراتر رفت و بعد سیاسی نیز به آن افزوده شد. این بعد سیاسی شامل ویژگی‌هایی مانند مشروعیت دولت، پاسخگویی نهادهای دولتی، تحقق حقوق بشر از طریق حاکمیت قانون و شایستگی در مدیریت دولتی می‌باشد. (دباغ؛ نفری، ۱۳۸۸: ۵)

امروزه بانک جهانی به بررسی شرایط زندگی در کشورهای مختلف از جنبه‌های کیفی و کمی پرداخته و به موضوع «حکمرانی خوب» توجه ویژه‌ای دارد. در تازه‌ترین گزارش این نهاد بین‌المللی، وضعیت حکمرانی کشورها در بازه زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ مورد ارزیابی قرار گرفته است. این گزارش به شش ویژگی کلیدی حکمرانی خوب اشاره می‌کند که عبارتند از:

۱. **شفافیت:** شفافیت در فرآیندهای حکومتی و تصمیم‌گیری‌ها یکی از ارکان اساسی حکمرانی خوب است. این ویژگی به شهروندان این امکان را می‌دهد که از عملکرد دولت آگاه شوند و در نتیجه، مسئولیت‌پذیری را افزایش می‌دهد.
۲. **مسئولیت‌پذیری:** مسئولیت‌پذیری به معنای پاسخگویی دولت به نیازها و خواسته‌های شهروندان است. در حکمرانی خوب، نهادهای دولتی باید توانایی پاسخگویی به انتقادات و نگرانی‌های عمومی را داشته باشند.
۳. **شمولیت:** شمولیت به معنای مشارکت همه گروه‌های اجتماعی در فرآیندهای تصمیم‌گیری است. این ویژگی به تقویت انسجام اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها کمک می‌کند.

۴. **قانون‌مداری:** رعایت قوانین و مقررات به‌عنوان یک اصل اساسی در حکمرانی خوب مطرح است. این ویژگی تضمین می‌کند که همه افراد و نهادها تحت قوانین یکسانی قرار دارند و از حقوق خود برخوردارند.
۵. **کارآمدی:** کارآمدی به معنای استفاده بهینه از منابع در دسترس برای تحقق اهداف توسعه‌ای است. حکمرانی خوب به معنای ارائه خدمات عمومی با کیفیت و در زمان مناسب است.
۶. **ثبات سیاسی:** ثبات سیاسی به عنوان یکی از عوامل کلیدی در ایجاد محیطی مناسب برای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شود. این ویژگی به کاهش ریسک‌های سیاسی و افزایش سرمایه‌گذاری کمک می‌کند.
- در نهایت، این شش ویژگی به‌عنوان معیارهای کلیدی برای ارزیابی حکمرانی خوب در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند و می‌توانند به عنوان راهنمایی برای بهبود شرایط زندگی و توسعه پایدار در جوامع مختلف عمل کنند.
- بر اساس تعاریف ارائه شده توسط بانک جهانی، مفهوم «حکمرانی بد» به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و وضعیت‌های ناپسند در مدیریت دولتی اشاره دارد که شامل موارد زیر می‌شود: شخصی‌سازی قدرت، فقدان حقوق بشر، فساد نهادینه شده (بومی)، و وجود دولت‌های غیرپاسخگو و غیرمنتخب. این ویژگی‌ها به وضوح نشان‌دهنده عدم کارایی و ناکامی در تحقق اصول حکمرانی مطلوب هستند. به‌عکس، حکمرانی خوب به معنای وجود سیستم‌های مدیریتی شفاف، پاسخگو و مبتنی بر حقوق بشر است که در آن قدرت به‌طور عادلانه و به‌صورت جمعی توزیع شده و فساد به حداقل می‌رسد. برنامه توسعه سازمان ملل متحد، حکمرانی خوب را اینگونه تعریف نموده است: «حکمرانی خوب کوششی است در جهت حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۲: ۲-۳)

همچنین در تعریفی دیگر، کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد^۱ اصول کلی و مهم حکمرانی خوب را اینگونه برمی‌شمارد^۲: مشارکت؛ حاکمیت قانون؛ شفافیت؛ پاسخ‌گویی؛ شکل‌گیری وفاق عمومی؛ حقوق برابر (عدالت)؛ اثربخشی و کارایی؛ مسئولیت‌پذیری.

هاتر و شاه به بررسی ابعاد مختلف حکمرانی خوب پرداخته و عواملی چون مشارکت فعال شهروندان، تمرکز بر نقش دولت، پیشرفت اجتماعی و مدیریت کارآمد اقتصادی را به عنوان معیارهای کلیدی معرفی کرده‌اند. آن‌ها بر این باورند که هرچه در تحقق این ویژگی‌ها موفق‌تر عمل شود، به سمت حکمرانی مطلوب‌تر حرکت خواهیم کرد. (Huther and shah,2000) و (شریف‌زاده؛ قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

نام شاخص	شاخص‌های جزء
مشارکت شهروندان (CP)	آزادی سیاسی، پایداری سیاسی
دولت محوری (GO)	کارایی قضایی، کارایی اداری، فساد کم
توسعه اجتماعی (SD)	توسعه انسانی، توزیع عادلانه
مدیریت اقتصادی	توجه به عوامل خارجی، استقلال بانک مرکزی، بازده سود نسبت به نرخ تولید ناخالص داخلی (GDP)

^۱. کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه (ESCAP) در راستای افزایش فعالیت‌های اقتصادی در آسیا و شرق دور و همچنین تقویت ارتباطات بین این منطقه و سایر مناطق جهان در سال ۱۹۴۷ بر اساس قطعنامه شورای اقتصادی اجتماعی تأسیس شد.

^۲. برگرفته از سایت ESCAP مقاله با عنوان: what is good governance? برای دریافت کامل آن ر.ک:

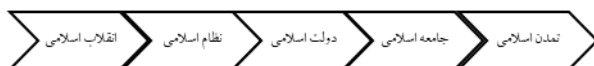
مولفه‌های «نظام حکمرانی انقلابی»

- موضوع حکمرانی در سطوح و ابعاد گوناگون در جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گرفته است؛ که از جمله مهم‌ترین این اصول می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- حرکت توحیدی؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هدف از تأسیس حکومت را ایجاد ساختارهایی می‌داند که «تبلور آرمان سیاسی ملی هم‌کیش و همفکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید.» و بدین ترتیب، انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی تربیت می‌شود. (قانون اساسی، ۲۲-۲۳)
- ولایت، که دلالت بر استمرار حاکمیت الهی دارد، به عنوان مهم‌ترین سند برای تأسیس حکومت اسلامی، کتاب «ولایت فقیه» امام خمینی (ره) محسوب می‌شود. این اثر بر ضرورت تأسیس حکومت اسلامی در عصر غیبت تأکید کرده و تفاوت‌های این الگوی حکومتی را با سایر موارد تشریح می‌نماید.
- جمهوریت؛ پس از پیروزی انقلاب، ضرورت ایجاد یک الگوی حکومتی برای مدیریت جامعه احساس شد که در نخستین گام، نظام «جمهوری اسلامی» به عنوان یک نظام نوین تأسیس گردید؛ نظامی که با نظام‌های مردم‌سالار دنیا اختلاف مبنایی دارد و پذیرفتن مدل جمهوریت از باب کارآمدی آن در اجرای مقاصد حکومت بوده است
- تفکیک قوا؛ بر اساس قانون اساسی، شیوه اعمال قدرت در جمهوری اسلامی به صورت تفکیک قوا است. براین اساس در کشور ۸ سال نظام پارلمانی و بعد از آن با اصلاح قانون اساسی، نظام ریاستی حکمفرما شده است. در نظام جمهوری اسلامی، «مردم‌سالاری» یک ایدئولوژی نیست و می‌توان در هر دوره‌ای از ابزارهای آن برای دستیابی به اهداف استفاده

می‌شود. در واقع، در نظام جمهوری اسلامی، مجموعه‌ای از اصول ثابت و مسائلی وجود دارد که می‌تواند متغیر باشد و رهبر انقلاب از این موارد به عنوان «ظرفیت منعطف نظام» یاد کرده‌اند. البته نوسازی نظام، به هیچ‌وجه به معنای کنار گذاشتن آرمان‌ها نیست بلکه به معنای تغییر در سیاست‌ها و نظام‌ها و تدابیر است که این مسئله می‌تواند مانع از تحجر نیز بشود و با تکیه بر آرمان‌های همیشه جوان و نو نظام اسلامی را، همیشه جوان، شاداب، بالنده و پیش‌رونده نگه دارد. (بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی: ۱۰ آذر/۱۳۸۹)

- تکامل تدریجی؛ رهبر معظم انقلاب در مقام تبیین رسیدن به اهداف نهضت اسلامی در ایران؛ ۵ مرحله را بیان داشته‌اند که عبارت‌اند از: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و درنهایت تمدن اسلامی. ایشان درباره این موضوع اشاره کردند: دولت اسلامی به معنای تشکیلات مدیریتی که متناسب با نظام جمهوری اسلامی باشد و بتواند این هدف والا را محقق کند هنوز تشکیل نشده است و همان‌طور که در بیانیه گام دوم انقلاب نیز اشاره شده است این بیانیه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. به عبارت دیگر، می‌توان نظریه‌ای را که برای آینده انقلاب اسلامی و ترسیم نقشه راه آن رهبر انقلاب ترسیم کرده است اینگونه بیان کرد:

این نظریه مربوط به مراحل پنج‌گانه رسیدن تا تمدن اسلامی است و اینکه آن نظام اسلامی ایران در حال ورود به مرحله سوم یعنی دولت اسلامی است و دولت اسلامی به معنی تشکیلات مدیریتی و ساختارهایی است که با آن کشور اداره می‌شود: (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۷۹/۹/۱۲) شکل شماره (۱)



اهمّ منویات بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

بیانیه گام دوم از اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران است که در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ و در بزرگداشت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و ورود آن به پنجمین دهه ایران از سوی مقام معظم رهبری صادر شد. این بیانیه را می‌توان به عنوان یک مانیفست برای گام چهل ساله دوم پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفت که در آن ضمن ارائه تحلیلی بر چهل سال گذشته، دستاوردهای آن و برخی نقاط ضعف آن، توصیه‌هایی در حوزه‌های مختلف برای پیشبرد اهداف ایران مطرح نموده‌اند. در این سند که رهبری تاکید بر مطالعه، تعمق و عمل به آن داشته‌اند؛ هم به دستاوردها و ظرفیت‌های مختلف اشاره شده است و هم برای ادامه مسیر با ارائه آسیب شناسی در هر حوزه توصیه‌هایی لازم نیز ارائه شده است. این مجموعه را در تطابق با شاخص‌های حکمرانی خوب که به آن اشاره شد می‌توان به عنوان سندی راهبردی برای حکمرانی خوب با هدف اختصاصی ایجاد تمدن نوین اسلامی پس از خودسازی، جامعه‌پردازی و دولت‌سازی در نظر گرفت؛ موضوعی که در این تحقیق با تحلیل متن این سند به آن پرداخته شد است. در الگوی زیر که از سوی نگارندگان ارائه شد است مهمترین مولفه‌ها مراحل و اهداف مطرح شده در بیانیه گام دوم را می‌توان مشاهده نمود:

۱. علم و پژوهش: دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌یست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد،

توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم.

۲. معنویت و اخلاق: معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

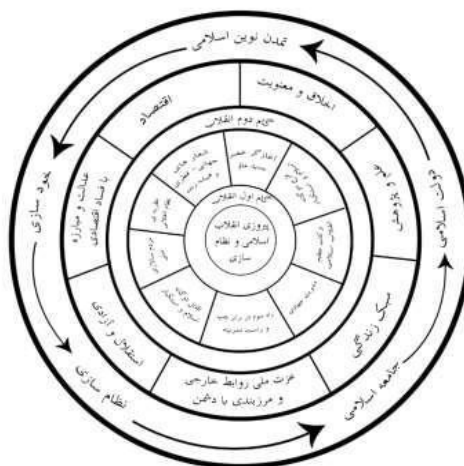
۳. اقتصاد: اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی و تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به اهداف رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

۴. عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است.

۵. استقلال و آزادی: استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه الهی به انسان‌هاست و هیچ کدام تفضل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظف به تأمین این دو اند.

۶. عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. در صحنه بین‌المللی امروز، شاهد تحولاتی هستیم که یا به وقوع پیوسته‌اند یا در آستانه‌ی وقوع هستند: ظهور دوباره نهضت‌های اسلامی با تأکید بر مقاومت در برابر نفوذ آمریکا و اسرائیل؛ ناکامی سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه و تضعیف متحدان ناپایدار آن در این منطقه؛ و همچنین افزایش نفوذ سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا که تأثیرات گسترده‌ای بر نظام جهانی سلطه دارد.

۷. سبک زندگی: تلاش‌های برخی از کشورهای غربی برای نفوذ فرهنگی و اجتماعی در ایران، آسیب‌های عمیق و جدی را در زمینه‌های اخلاقی، اقتصادی، مذهبی و سیاسی به همراه داشته است که آثار آن برای جامعه و کشور ما غیرقابل جبران است. این فرآیند نه تنها تهدیداتی برای هویت فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی به همراه دارد، بلکه می‌تواند به تضعیف بنیان‌های اقتصادی و سیاسی کشور نیز منجر شود. تقویت هویت ملی، تقویت عشق به میهن، تقویت پرچم ملی، تعلیم سبک زندگی اسلامی و ایرانی، در شمار اصلی‌ترین کارهایی است که بایستی انجام بگیرد.



شکل شماره (۲) (مغیسی، ۱۳۹۷: ۷)

مقایسه الگوی حکمرانی خوب با بیانیه گام دوم با رویکرد تحلیل محتوا

سرفصل‌های حکمرانی خوب	بیانیه گام دوم
مشارکت	بند سوم بیانیه: مقام معظم رهبری در بیان فضائل چهل ساله نظام عنوان کردند: « ... مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد »
حاکمیت قانون	در بند پنجم مربوط به استقلال و آزادی؛ رهبری ضمن برشمردن برکات استقلال و آزادی و شاخصه‌های آن تأکید دارند: «... استقلال» «نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در

<p>تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود».</p>	
<p>«بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ای شگفت‌آور ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله جنگ‌افروزی‌ها و رذالتها و دخالت‌های قدرتهای قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این‌گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت».</p>	<p>شفافیت</p>
<p>«با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتید و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخشهای گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله</p>	<p>حقوق برابر (عدالت)</p>

<p>کم نیستند- سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله”.</p>	
<p>“موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزبه‌روز فراگیرتر میشود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کلّ جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حسّاس پزشکی و جایگاه مرجعیّت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت”.</p>	<p>اثربخشی و کارایی</p>
<p>“اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همّت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعّالان جوان، در همه‌ی میدان‌های</p>	<p>مسئولیت‌پذیری</p>

سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.”

سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی

پدیده حکمرانی موضوعی میان‌رشته‌ای است که بین حوزه‌های حقوق، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و علوم سیاسی قرار دارد. پژوهشگران این حوزه عمدتاً بر مباحث نوینی مانند تجزیه قدرت میان سطوح دولتی و فرودولتی، ترویج تمرکززدایی از دولت و افزایش وابستگی به انواع جدید مشاوره و مشارکت شهروندان تمرکز دارند. (۲: Meehan, ۲۰۰۳)

حکمرانی معمولاً با رویکردی نوین، به محدودسازی قدرت سنتی سلسله‌مراتبی (بالا - پایین) پرداخته و مسیر آن را به سمت تصمیم‌گیری‌های جمعی تغییر می‌دهد. پژوهشگران این حوزه بر این باورند که ناکارآمدی دولت‌ها در مدیریت امور به‌طور انحصاری، سبب ظهور این مفهوم شده است. از این رو، با تفکیک حوزه‌های مختلف دولت و تمایز بین بخش خصوصی و دولتی، همچنین تفکیک دولت از جامعه مدنی، تلاش می‌شود تا ساختار سنتی قدرت تغییر یابد و وزن بیشتری به نهادهای موازی دولت در فرآیند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اختصاص یابد. بنابراین، قدرت مؤثر و مشروع، قدرتی است که از طریق مشارکت و تعامل نهادها و نیروهای گوناگون در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی به دست می‌آید. همانطور که از جملات بالا مشخص می‌شود، گسترش حکمرانی، بدون شک تأثیر عمده‌ای بر ساز و کار بخش عمومی - که تاکنون محوری‌ترین عامل سیاست‌گذاری‌ها بوده - خواهد داشت. (یزدانی؛ زازرانی، ۱۳۹۱: ۱۱۱)

سیاست‌گذاری عمومی (طراحی سیاست)

نیک ترانبول در مقاله‌ای با عنوان «طراحی سیاست» در مجله انگلیسی زبان «سیاست‌گذاری عمومی و اداره» که در اکتبر ۲۰۱۸ به چاپ رسیده، نگاشته شده به بررسی مفهوم طراحی سیاست پرداخته است:

«... طرفداران برنامه‌های تحقیقاتی بر اساس جهت‌گیری‌های جدید معتقدند که در زمینه حل مشکلات پیچیده، سیاست‌گذاران باید به دنبال راه حل‌های خلاقانه از طریق «طراحی هوشمندانه» سیاست باشند. آنها نه تنها با هدف کمک به حل مشکلاتی که امروزه سیاست‌گذاران در دولت‌ها با آن درگیر هستند، بلکه برای درک این مسئله که طراحی سیاسی به چه معناست؟ چرا هوشمندانه‌تر است؟ و این طرح به چه سمتی باید سوق داده شود؟ خواستار تجدید نظر در مطالعات طرح‌ریزی سیاسی هستند.

دیدگاه عمومی این است که طرح سیاسی به همراه ایجاد یک هدف در ذهن شکل گرفته است و سیاست‌گذاران جهت تغییر در آن مداخلاتی در جامعه انجام می‌دهند، هر چقدر این مداخلات بهتر طراحی شود تغییرات موفقیت‌آمیزتر خواهد بود.

اما بیشتر از سیاست‌گذاری یا مداخلات سیاسی ساده، ایده این طرح، علاوه بر هدف، وسیله رسیدن به هدف (طراحی منطقی ابزار رسیدن به آنها) را به ذهن متبادر می‌سازد. بطور کلی سیاست‌های عمومی نتیجه تلاش‌هایی است که توسط دولت‌ها جهت تغییر دادن جنبه‌هایی از رفتارهای خودشان یا اجتماع برای رسیدن به یک نتیجه یا یک هدف صورت می‌گیرد و شامل ترکیبات پیچیده‌ای از اهداف و شیوه‌های سیاسی است.

طرح سیاسی، به شیوه و ساز و کارهایی که از طریق آن به اهداف دست می‌یابیم و نیز به خود اهداف مرتبط است. بنابراین تفسیر اهداف قطعاً شامل بررسی امکان‌پذیری یا بررسی کاربردی بودن آن با توجه به ارتباطات با شرایط موجود با بررسی ابزارهایی است که در اختیار داریم. بنابراین، این دیدگاه از طرح سیاست با دیدگاه دیگری از سیاست بعنوان نوعی اقدام ابزاری منطقی درهم آمیخته است. این ایده یک ادعای اساسی را مطرح میکند که ماهیت سیاست‌گذاری در یک دنیای ایده‌آل چیست و یا حداقل چه میتواند باشد.

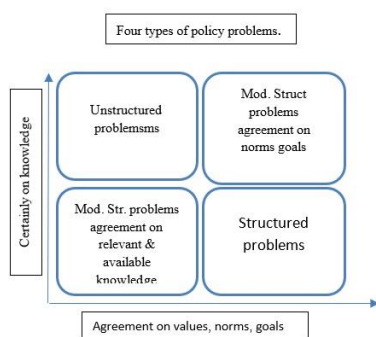
طرح سیاست به تحقیقات دانشگاهی فرایند سیاستگذاری و همچنین به تلاش‌های واقعی دست اندرکاران اجرایی جهت بهبود نتایج سیاسی اطلاق می‌شود.. (دشتکی؛ زارع، ۱۳۹۸: ۲۹۲ و ۲۹۳)

روبرت هوپ در مقاله‌ای با عنوان «توصیه‌هایی برای متخصصین طراحی سیاست: قوانینی جهت سازمان‌دهی غیرساختارمند» معتقد است: «طراحی سیاست یک ایده کلی را به عنوان ساختار مشکلات تعیین نموده و سپس قوانینی را مطرح می‌کند که به سیاست‌گذاران در وظایف اصلی خود - که شامل: اکتشاف، درک، تجزیه و تعریف مشکل و زمان‌بندی طرح سیاست است - کمک می‌کند که چگونه «مشکل سیاسی غیرساختارمند» را به یک «مشکل سیاسی ساختارمند» مبدل سازند. (Hoppe, 2018: 400)

روش انجام وظایف طراحی نظام‌مند سیاسی

هوپ بر این باور است که برای طراحی سیاست یا شناسایی مسائل معرفتی، چهار عامل باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. حساسیت به مشکلات ایجادکننده مسائل؛
۲. طراحی یک چارچوب کلی؛
۳. توانایی در تغییر انتخاب میان سبک‌ها و نقش‌ها در طراحی سیاست؛
۴. انتخاب بین طراحی به عنوان کشمکش شناختی تحلیلی و مبارزه سیاسی برای جلب حمایت یا کسب قدرت. (Hoppe, 2018: 401)



جدول شماره ۳

ایجاد مشکلات خود به عنوان یک فرآیند تحلیلی و شناختی تلقی می‌شود و رهبری سیاسی مؤثر نیازمند تحلیل‌ها و برنامه‌های سیاسی مناسب است. شرایطی که منجر به بروز مشکلات می‌شوند باید به دقت بررسی شوند تا به شیوه‌ای مؤثر حل و فصل گردند. تنها یک روش حل مسئله که با اکثریت این مشکلات هم‌خوانی دارد، می‌تواند مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. از طریق این برنامه‌ها و طرح‌ها، امکان انجام اقداماتی فراهم می‌شود و همچنین اتخاذ گام‌های آگاهانه در راستای حل مشکلات به ما این قدرت را می‌دهد که به تعریف مناسب و قانونی از راهکارهای حل مسائل دست یابیم.

از سوی دیگر، فردی که قصد دارد ما را به سوی عوامل و عناصر درک مسائل هدایت کند، نباید همواره از یک روش ثابت بهره‌برداری کند؛ زیرا با توجه به شرایط خاص، روش‌های حل مسائل ممکن است متفاوت باشد. (دشتکی؛ زارع، ۱۳۹۸: ۳۰۴)

اهمیت بومی‌سازی در سیاست‌گذاری

رویکرد بومی‌سازی یکی از موضوعات مهم در حوزه توسعه‌های نوین است که به روشی از پایین به بالا متکی بوده و بر اساس مکانیسم‌های درک، پذیرش و جامعه‌پذیری اطلاعات محلی شکل می‌گیرد.

بومی‌سازی به معنای استفاده آگاهانه از الگوها، روش‌ها و فنون توسعه و تطبیق آن‌ها با شرایط محلی است، به‌علاوه شامل به‌روزرسانی و تقویت تکنیک‌ها و روش‌های بومی یا پیوند دانش رسمی با دانش و شرایط محلی می‌باشد. این رویکرد می‌تواند به توانمندسازی و مشارکت مردم در فرآیند توسعه و شکل‌گیری یک جریان توسعه درون‌زا، خودکفا و پایدار منجر گردد. (چمبرز، ۱۳۹۶: ۱۲۰) بسیاری از مفسران «بومی‌سازی» را از نظر اخلاقی امری مثبت ارزیابی کرده و مزایای آن را شامل دانش محلی، ارتباطات، تخصص و توانایی تأثیرگذاری بر فرآیند تغییر در سطح محلی ذکر می‌کنند. (Clarke, 2018: 5) این واقعیت غیرقابل انکار است که کشورهای در حال توسعه به منظور دستیابی به توسعه، کشورهای توسعه‌یافته را به عنوان الگو مدنظر قرار می‌دهند و هدف نهایی این گروه از کشورها، پیوستن به کشورهای توسعه‌یافته و تطابق با آن‌هاست. در این فرآیند دگرگونی جامعه از حالت سنتی به مدرن، برخوردها و

نگرش‌های متفاوتی وجود دارد که در جامعه ایرانی و در تجربه یکصد سال گذشته به وضوح قابل شناسایی است.

این تغییرات شامل سنت‌گرایان رادیکالی می‌شود که در تلاش برای حفظ جامعه‌ای کاملاً سنتی و مخالفت با هر نوع نوگرایی و تغییر هستند، تا طیف وسیعی از افرادی که به کامل شدن فرایند غربی‌سازی اعتقاد دارند، و همچنین کسانی که به الگوبرداری و تقلید‌گزینی از جنبه‌های مثبت کشورهای توسعه‌یافته باور دارند. بومی‌سازی در این زمینه به نحوه تعامل جامعه با روند انتقال از سنتی به مدرن و ارتباط یا تعامل جامعه درون‌مدار با جامعه بیرونی معنا می‌یابد.

آنچه در سال‌های اخیر باعث برجسته شدن موضوع بومی‌سازی شده، این است که استفاده از روش‌ها و تجربیات دیگران بدون توجه به تفاوت‌های موجود در جوامع، فرهنگ‌ها و زمینه‌ها نمی‌تواند به «توسعه پایدار» در این جوامع منجر شود. تجارب نشان داده‌اند که بسیاری از تکنیک‌ها و روش‌های سنتی در حوزه‌های تولید، فرهنگ و اجماع در جوامع سنتی، به دلیل تطابق و سازگاری با زیست‌بوم این جوامع، قادر به تحقق توسعه پایدار هستند. (جمعه‌پور، ۱۳۹۳، ۵۲)

نتایج تحقیق

در این پژوهش، به بررسی امکان استفاده از محتوا و مولفه‌های بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به عنوان یک الگوی منسجم برای سیاست‌گذاری در کشور پرداخته شد. همچنین، مقایسه‌ای بین محتوا و اصول بیانیه گام دوم و مفهوم حکمرانی خوب به عنوان یک معیار جهانی صورت گرفت همچنین در بررسی نهایی که برخاسته از مجموعه اطلاعات بدست آمده از دو الگوی مفروض یعنی الگوی جهانی «حکمرانی خوب» و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ نگارندگان با توجه به آنچه از نظر گذشت به نتایج زیر در تحقیق خود رسیده‌اند است:

۱. تحلیل محتوا و قابلیت‌های بیانیه گام دوم

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، با تأکید بر اصول اساسی انقلاب، نظیر عدالت، استقلال، پیشرفت و معنویت، به عنوان یک نقشه‌راه برای آینده کشور تلقی می‌شود. این بیانیه ضمن اشاره به چالش‌های موجود، به ارائه راهکارهایی برای تحقق اهداف

بلندمدت نظام جمهوری اسلامی می‌پردازد. از جمله مولفه‌های کلیدی این بیانیه می‌توان به:

عدالت اجتماعی: تأکید بر توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها.
پیشرفت علمی و فناوری: ضرورت توجه به علم و نوآوری به عنوان محور توسعه.
مشارکت مردمی: اهمیت نقش مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری.
این مولفه‌ها به وضوح با اصول حکمرانی خوب، که شامل شفافیت، پاسخگویی، مشارکت و عدالت است، هم‌راستا می‌باشند.

۲. مقایسه با حکمرانی خوب

حکمرانی خوب به عنوان یک مفهوم جهانی، به مجموعه‌ای از اصول و معیارها اشاره دارد که هدف آن بهبود کیفیت زندگی شهروندان و تحقق توسعه پایدار است. این اصول شامل شفافیت، پاسخگویی، مشارکت و عدالت اجتماعی می‌باشد. در این راستا، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر این مولفه‌ها، می‌تواند به عنوان یک الگوی مؤثر برای حکمرانی خوب در ایران مطرح شود.

۳. هر دو الگوی مورد بررسی از نظر غنای درونی و متناسب بودن با فضای اجتماعی جامعه ایرانی بسیار به‌روز و کارآمد به نظر می‌آیند.

۴. هر دو الگو دارای زیرشاخه‌های کاربردی و متنوع هستند که برای جامعه امروزی بسیار حیاتی است.

۵. بیانیه گام دوم به دلیل تمرکز و عمق بینش به تاریخ معاصر و گذشته جامعه ایرانی به مراتب کاربردی‌تر و جزئی‌تر از الگوی حکمرانی خوب است.

۶. با توجه به اصل مهم بومی‌سازی در سیاست‌گذاری، قطعاً بیانیه گام دوم با زیست‌بوم و سپهر سیاسی اجتماعی جامعه ایرانی سازگاری بیشتری دارد.

۷. یکی از مهمترین اصول برای طراحی سیاست؛ ضمانت اجرایی است؛ چه بسیار از الگوهای خوب که به مسئولین یک جامعه ارائه می‌شوند اما مورد استقبال یا استفاده قرار نمی‌گیرند؛ قطعاً یکی از مهمترین ویژگی‌های بیانیه گام دوم ضمانت اجرایی آن بخاطر فصل‌الخطاب بودن جایگاه رهبری در جامعه است.

در نهایت، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به عنوان یک منبع غنی و به‌روز، در صورت توجه به اصول حکمرانی خوب و اجرای صحیح آن، قابلیت تبدیل شدن به یک الگوی منسجم برای سیاست‌گذاری در کشور را دارد. این بیانیه نه تنها می‌تواند به عنوان یک راهنمای عملی برای مسئولان و سیاست‌گذاران عمل کند، بلکه می‌تواند به تحقق اهداف بلندمدت جمهوری اسلامی ایران و بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک شایانی نماید. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود که در فرآیند سیاست‌گذاری، به دقت به محتوای این بیانیه توجه شود و تلاش گردد تا موانع موجود در مسیر اجرای آن شناسایی و برطرف گردند.

منابع

۱. اخوان، محمدجواد. (۱۴۰۲). *نظام انقلابی و پیشرو: تبیین ابعاد نظری نظریه های نظام اسلامی*. تهران: انتشارات دیدمان.
۲. پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۷). *مبانی دانش اداره دولت و حکومت*. تهران: انتشارات سمت.
۳. جمعه پور، محمود. (۱۳۹۳). «بومی‌سازی در عرصه توسعه نقش دانش بومی در فرآیند آن». *دوفصلنامه دانشهای بومی ایران*. شماره دو، پاییز و زمستان.
۴. جمعی از مولفان. (۱۳۹۵). «قانون اساسی جمهوری اسلامی». ج ۲. تهران: نگاه بوستان صص ۲۲-۲۳.
۵. چمبرز، رابرت. (۱۳۹۶). «توسعه روستایی، اولویت‌بخشی به فقرا (حمایت از اقشار آسیب‌پذیر)» (م، از کیا. مترجم). چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۷). *بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی*. لینک: سایت KHAMENEI.IR
۷. دباغ، سروش؛ نفری، ندا. (۱۳۸۸). «تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب». *نشریه علمی پژوهشی مدیریت دولتی*. دانشگاه تهران. دوره ۱، شماره ۳؛ پاییز و زمستان.

۸. دشتکی صفری، محمد؛ زارع، رضا. (۱۳۹۸). طراحی سیاست، فصلنامه سیاستگذاری عمومی. دوره ۵، شماره ۳.
۹. شریف‌زاده، فتاح؛ قلی‌پور، رحمت‌اله. (۱۳۸۲). «حکمرانی خوب و نقش دولت». مدیریت فرهنگ سازمانی. پاییز و زمستان. دوره اول؛ شماره ۴.
۱۰. شریفیان‌ثانی، مریم. (۱۳۸۰). «مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری». فصلنامه مدیریت شهری. دوره: ۲؛ شماره: ۸.
۱۱. صباغ کرمانی، مجید؛ مهدی باسختا. (۱۳۸۸). «نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی». فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات اقتصادی. بهار.
۱۲. قلیپور، رحمت‌اله. (۱۳۸۷). «حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت». معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی. دفتر گسترش تولید علم.
۱۳. مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۸۲). «حکمرانی و مبارزه با فساد: طرح پژوهشی حکمرانی خوب (۱)». تهران: آبان ماه؛ شماره، ۶۸۰۱.
۱۴. مقدری، مهدی. (۱۳۹۸). کتاب درس‌هایی از حکمرانی خوب. تهران: انتشارات نگاه معاصر.
۱۵. مقیمی سید محمد. (۱۳۹۷). «بیانیه گام دوم انقلاب رهنامه پیشرفت ایرانی - اسلامی». فصلنامه مدیریت اسلامی. شماره ۳، سال ۲۶.
۱۶. میدری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر. (۱۳۸۳). «حکمرانی خوب بنیان توسعه». تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۷. یزدانی زازرانی، محمدرضا. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه مفهومی و تأثیر حکمرانی بر سیاست‌گذاری عمومی». تهران: پژوهش‌های روابط بین‌الملل؛ ۲(۴).
18. Clarke, Chris. (2018). "Localisation - Implications for the International Non-Government Organisation sector." *The Council for International Development (CID) 30 November*. <https://www.cid.org.nz>.
19. David A, Dwyer. John F (2007). "Good Governance: Theoretical Perspectives and Practical Implications." *International Journal of Public Administration Rosenbaum*.
20. Hoppe, Robert. (2018). *Heuristics for practitioners of policy design: Rules-of-thumb for structuring*.

21. Huther, Jeff, & Shah, Anwar. (2000). "Applying a Simple Measure of Good Governance to the Debate on Fiscal Decentralization." *World Bank, Operations Evaluation Department, Country Evaluation and Regional Relations Division*. Originally published, p:20.
22. Meehan, Elizabeth. (2003). *From Government to Governance, Civic Participation and 'New Politics'; the Context of Potential Opportunities for the Better Representation of Women*. Queen's University Belfast, School of Politics and International Studies.
23. Ostrom, Elinor. (2010). *The Governance of Socio-Ecological Systems*. Cambridge University Press.
24. Plumptre, Tim & Jhon Graham. (1999). "Governance and Good Governance: International and Aboriginal Perspectives." *Institute on Governance*. December.